

خاص و غیر قابل انکاری داشته است. مدت زیادی است بدلیل اختلاف با ((جناح خامنه ای یا افراطی رژیم)) زندانی شده است. قطعا ما مخالف زندانی کردن افراد بجرم عقاید سیاسی و خواهان آزادی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط هستیم که شامل اکبر گنجی هم میشود. مدتی است که دست به اعصاب غذا زده و خواهان آزادی اش شده است و در سطح داخلی و بین المللی انعکاس زیادی داشته است. اخیرا و رسماً "اتحادیه اروپا و بوش رئیس جمهور آمریکا" هم خواستار آزادی اش شده اند. در صورتیکه در ایران زندانیهای سیاسی بیشماری وجود دارند. چرا صرفاً خواهان آزادی وی شده اند؟ جریان چیست؟



ایرج فرزاد

گنجی زندانی یا گنجی اترناتیو؟

اکبر می پرسد

در رابطه با فضائی که حول زندانی بودن اکبر گنجی ایجاد شده است، اکبر با ایرج فرزاد گفتگوی کوتاهی انجام داده است که متن کتبی آنرا میخوانید.

اکبر گنجی از مبلغین، مروجین و فعالین اصلی ای بوده که در تحکیم و تثبیت حکومت اسلامی در ایران نقش

مورد حمایت دیگر مردم معترض به جمهوری اسلامی در ایران و هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی در دیگر نقاط جهان است. دستتان درد نکند، دستان مبارز و خستگی ناپذیرتان را از دور بگرمی میفشارم.

مردم آزاده!

مبارزه ما در کردستان ایران بخشی از مبارزه مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران برای از جاکندن و درهم کوبیدن جمهوری اسلامی است. مبارزه ایست علیه کلیت جمهوری اسلامی برای آزادی و برابری و رهائی از هر نوع ستم و استثمار. مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری مبین خواست واقعی مردم کردستان و دیگر مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران در تقابل با جمهوری اسلامی است. این پیروزی جز با اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران بدست نیاید. تلاش برای منزوی کردن مبارزه مردم کردستان از مبارزه مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران، مستقیماً علیه مبارزه ما برای رسیدن به آزادی و برابری و عقیم کردن این مبارزه در چهارچوب محلی و مقطعی است. اجازه ندهید به



حسین مرادیگی

به مردم کردستان ایران

کارگران، زنان، جوانان و دیگر مردم آزادیخواه!

اعتراض بحق شما علیه توحش و بربریت جمهوری و همبستگی قاطعانه شما با مردم مهاباد در محکوم کردن جمهوری اسلامی و برای آزادی فوری دستگیرشدگان رویدادهای اخیر، تحسین برانگیز و

بگذارید ابتدا نکته ای را در مورد "پیشینه" اکبر گنجی توضیح بدهم. اکبر گنجی مستقل از اینکه چه سوابقی در خدمت به رژیم اسلامی داشته است، در شرایط فعلی یک پلاتفرم و یک نوع "راه حل" و عکس العمل به جمهوری اسلامی را نمایندگی میکند. خمینی را اگر به یاد

ادامه در صفحه 4

در صفحات دیگر

اطلاعیه شماره 7 کمیته مهاباد

توطه جدید جمهوری اسلامی: حسین مرادیگی

تظاهرات وسیع مردم اشنویه

گزارشی از کارخانه شاهو

مبارزات مردم اشنویه: بریا مولود نژاد

اطلاعیه شماره 2 کمیته سردشت

گزارشی از سردشت: پویا خالدی، هیوا لقمانی

مهاباد و شهرهای دیگر به درست مورد پشتیبانی مردم مبارز و آزادیخواه در شهرهای دیگر و در تمام ایران است. در اعتراضات این مدت صدها نفر از جوانان و مردم توسط نیروهای مسلح و مراکز اطلاعاتی جمهوری اسلامی دستگیر شده و کسی از سرنوشت آنان اطلاعی ندارد. آزادی فوری کلیه دستگیر شدگان خواست فوری مردم در این اعتراضات بوده است. جمهوری اسلامی باید فوری کلیه دستگیرشدگان را بی قید و شرط آزاد کند.

آنچه در این مدت مردم از خود نشان دادند گوشه ای از اعتراض و تنفر مردم در سراسر ایران به جمهوری اسلامی است. مردم این رژیم را نمیخواهند و هر روز و هر لحظه در گوشه ای و به مناسبتی این خواست و تمایل خود را نشان میدهند. جمهوری اسلامی بانی تمام فلاکت و فقر و جهنمی است که یک رفیع قرن بر



خالد حاج محمدی

سخنی با مردم کردستان!

اعتراضات بر حق مردم به جمهوری اسلامی از مهاباد به شهرهای مریوان و سردشت و پیرانشهر کشیده است. هر روز در گوشه ای مردم دست به اعتراض میزنند. تا کتون جمهوری اسلامی با گسیل کردن مزدوران مسلح خود با تیراندازی به سوی جوانان و مردم و دستگیری و زندانی کردن تلاش کرده است با اعتراض بر حق مردم مقابله کند. اعتراضات مردم



اطلاعیه شماره ۷ کمیته مهاباد حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

**بازار مهاباد در اعتراض به رژیم
تعطیل شد!**

**مردم خواهان آزادی فوری تمام
دستگیرشدگان هستند**

دیروز شنبه ۱ مرداد ۱۳۸۴ برابر با
۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵ بازار مهاباد در
اعتراض به رژیم و جنایات نیروهای
انتظامی و از جمله شکنجه دستگیر
شدگان وقایع اخیر تعطیل شد. مردم
خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه
بازداشت شدگان وقایع اخیرند.
طبق اطلاع دستگیرشدگان وقایع

پیوندید. با تومار نویسی، تعطیلی یک
روزه شهر، دست از کار کشیدن
موقت، اطلاعیه دادن و خلاصه هر
شکلی که مناسب میدانید برای آزادی
فوری دستگیرشدگان رویدادهای
اخیر جمهوری اسلامی را تحت فشار
قرار دهید. پیروزی ما در گرو اتحاد
و همبستگی ما صف سرنگونی طلب
جامعه در سراسر ایران است.

زنده باد آزادی

زنده باد برابری

مرگ بر جمهوری اسلامی

حسین مرادیگی (حما سور)

مهاباد که به شهرهای اورمی و
میاندوآب انتقال داده اند، شدیداً
شکسته شده اند. در میان مردم شایع
است که ۲ نفر از دستگیرشدگان زیر
شکسته جان خود را از دست داده
اند. تاکنون مقامات جمهوری اسلامی
و از جمله صمدی فرماندار مهاباد
اعلام کرده اند که این خبر صحت
ندارد.

شهر مهاباد همچنان حالت نظامی دارد
و نیروهای انتظامی همه جا مستقر
هستند. در بلندیهای مشرف بر شهر
مهاباد نیز نیروی انتظامی مستقر
میشوند.

شهر مهاباد همچنان در التهاب بسر
میبرد و مردم خواهان آزادی فوری
تمام دستگیرشدگان وقایع اخیرند.
اعتراضات اخیر مردم مهاباد و سایر
شهرها بخشی از اعتراض و مبارزه
مردم آزادیخواه برای کنار گذاشتن
جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای
قابل تحمل، انسانی و مرفه است.
کمیته مهاباد حزب حکمتیست مردم
مهاباد و همه شهرهای دیگر را به
تشدید اعتراضات خود علیه جمهوری
اسلامی و با شعار آزادی
دستگیرشدگان فرامیخواند. تمام
دستگیرشدگان در مهاباد و سایر
شهرها فوری و بدون قید و شرط باید
آزاد شوند. این خواست عادلانه مردم
مهاباد لازم است در همه شهرها مورد
پشتیبانی قرار گیرد و برای تحقق آن
جمهوری اسلامی را بیش از پیش زیر
فشار قرار داد.

کمیته مهاباد حزب کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست
۲ مرداد ۱۳۸۴ برابر با ۲۴ ژوئیه
۲۰۰۵

July 24, 2005 10:45 PM

مردم از مهاباد تا هر جای دیگر باید با
بانگ رسا اعلام کرد، زنده باد آزادی،
زنده باد برابری.

به مردم کردستان ایران: از صفحه ۱

مبارزه ما برای آزادی و برابری و
سرنگونی جمهوری اسلامی رنگ
محلی و ناسیونالیستی بزنند.

کارگران، زنان، جوان

اعتراضات هم اکنون در اشکال
مختلف در شهرهای کردستان ایران
ادامه دارد. عقب نشاندن جمهوری
اسلامی و آزاد کردن فوری
دستگیرشدگان رویدادهای اخیر هدف
مبارزه و اعتراضات کنونی است. به
صف مبارزه برای آزادی
دستگیرشدگان رویدادهای اخیر به

دست به اعتراض و قیام زد.
جمهوری اسلامی را با قیام
سراسری و توده ای میشود و باید
کنار گذاشت. سپاه پاسداران و
نیروهای مسلح آنها را باید خلع
صلاح کرد. کلیه داراییهای حوزه های
اسلامی و بسیج و مساجد را باید
مصادره و صرف زندگی مردم کرد.
سران جنایتکار اسلامی را باید
بازداشت و محاکمه کرد. مراکز
اطلاعاتی و جاسوسی را باید ملغاً
کرد. بدون اینها هیچ حرفی از رفاه و
آسایش به نفع مردم نمیتوان کرد و
اینها بدوب قیامی توده ای و
سراسری ممکن نیست. ما
حکمتیستها در مشور سرنگونی
جمهوری اسلامی به روشنی راه
رهایی و موفقیت اعتراض و قیام
توده ای مردم را معنی کرده و به
جامعه اعلام کرده ایم. این تنها راه و
امکان ایجاد شرایط مناسب به نفع
مردم برای ایجاد جامعه ای آزاد و
برابر است. تمام جریانات درون و
بیرون حکومتی که قول بهتر شدن
اوضاع و زندگی مردم و رسیدن به
خوابگاههای آنها را در جمهوری
اسلامی میدهند، تنها کلاه گشادی
سر مردم میگذارند و برای جمهوری
اسلامی وقت میخرند. تمام جریاناتی
که امید به آمریکا بسته اند و وعده
بهشت برای مردم را با دخالت آمریکا
و انداختن موشک به تهران و
شهرهای دیگر میدهند، جز فقر و
بدبختی و تبدیل ایران به عراقی دیگر
را در چنته ندارند و امرشان مردم
نیست و حساب سهیم شدن خود در
قدرت و سهم خواهی خود را به
قیمت فلاکت بیشتر برای مردم را
دارند. راه ما راه تمام مردمی که
آرزوی زندگی شاد و آزاد را دارند
از اینها جداست، شعار ما آزادی و
برابری است و صف ما همه مردم
مخالف جمهوری اسلامی و تمام
مردمی است که آزادی و رفاه و
جامعه ای شایسته انسان امروز را
میخواهند. است. این را تنها با تقویت
کردن صف سوسیالیستها، با

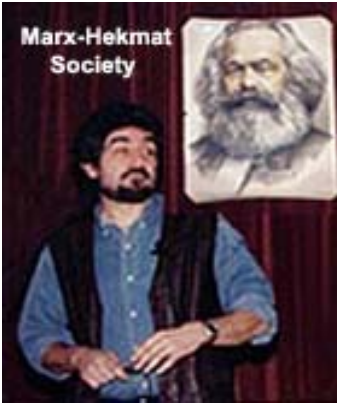
و پیرانشهر، فردا تهران و سندج و
اهواز. امروز شروع اعتراض به قتل
جوانی در مهاباد است و فردا کشتن
دو کودک در مشهد و پس فردا در
مقابل زن سنتیزی و بی حقوقی به
زنان در جایی دیگر شروع خواهد
شد. تا جمهوری اسلامی سر کار
است مردم به خانه هایشان نخواهند
رفت. اعتراض مردم به هر دلیل و
پهانه ای شروع شده باشد، اعتراض
آنان به کلیت جمهوری اسلامی است.
در این مدت ما از ۸ مارس گرفته تا
اول مه، از میدان فوتبال گرفته تا
کارگران ایران خودرو، از شرکت
واحد تهران گرفته تا کارگران شاهر
و نساجی در سندج، از مهاباد گرفته
تا شهرهای دیگر شاهد موجی از
اعتراضات در ابعاد توده ای به
جمهوری اسلامی هستیم.

مردم!

زنان، جوانان، کارگران!

جمهوری اسلامی را حتی یک ساعت
هم نباید تحمل کرد. این رژیم با زور
سر کار آمده، با زور و کشتار ما
مردم عمر ننگین خود ادامه داده
است و تنها و تنها با زور میروید.
برای کنارگذاشته جمهوری اسلامی
باید همراه و همگام با مردم سرنگون
طلب در سراسر ایران و با شعار
آزادی و برابری به میدان آمد. تا
سپاه پاسداران و مرکز اطلاعات
موجودند، تا نخوند و مسجد و بسیج
و قاتلین مردم سر کارند، تا احکام
اسلامی آینده ما و کودکانمان را رقم
میزند، تا داراییهای این مملکت صرف
مساجد و حوزه های علمیه و
تروریسم سازی و آخوند میشود، تا
آزادی و رفاه و ارزشهای انسانی و
حرمت و کرامت ما انسانها و
صاحبان واقعی این مملکت هر روز
در دست مرتجع و جنایتکاری و بر
مبنای قوانین اسلامی رقم میخورد،
سهم ما از این بهتر نخواهد بود. در
جامعه ای که فکر کردن آزاد نیست،
حرف زدن آزاد نیست، زیستن آزاد
نیست، باید علیه بانیان این وضع

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است



حزب کمونیست کارگری؛ جریانات و تناقضات درونی آن کورس مدرسی سمینار دوم

کانون کمونیسم کارگری، تحولات درونی حزب کمونیست ایران، شکل گیری حزب کمونیست کارگری، حزب کمونیست کارگری بستر مشترک حکمتیسم و چپ سنتی. دوره اولیه شکل گیری حزب. تحولات انقلابی در ایران و بازتاب آن در حزب کمونیست کارگری. چپ سنتی و بحث های حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه، حزب و شخصیت ها. معنی سیاسی فقدان منصور حکمت، تغییر توازن قوا در حزب. نگاهی به مباحثات درونی حزب کمونیست کارگری، حزب و سنت های سیاسی، حزب و شخصیت ها.

انجمن مارکس - حکمت

شنبه ژوئیه ۲۵

ساعت ۱ بعد از ظهر

آدرس:

Gray's Inn Road, WC1
Tube: Russel Square/
Kings Cross

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶

سال خودداری کنید

ورودی: ۵ پوند

برای اطلاعات بیشتر با سرین

جلالی مدیر انجمن مارکس -

حکمت تماس بگیرید:

تلفن: 07708125993

ایمیل:

marx.hekmat@gmail.com

<http://www.marxhekmatociety.com>

برپائی جمعاعات همبستگی، راههای گسترش مبارزه و اعتراض توده ای شهری علیه جمهوری اسلامی در این دوره اند.

در مبارزه علیه جمهوری اسلامی واضح است مردم کردستان ایران تنها نبوده و نیستند. مردم دیگر شهرهای ایران نیز مانند مردم مهاباد و سنندج بر آتشفشانی از تنفر و انزجار از جمهوری اسلامی نشسته اند که بمحض شل تر شدن بندهای جمهوری اسلامی برای درهم کوبیدن حکومت اسلامی بحرکت در میایند. این صف میلیونی مردم معترض را باید با شعارهای روشن و با درک مشترک آنها از سرنگونی جمهوری اسلامی و آنچه که باید با سرنگونی جمهوری اسلامی اتفاق بیفتد، بهم وصل کرد. کلیت جمهوری اسلامی را باید درهم کوبید، خامنه ای و دیگر سران جنایتکار جمهوری اسلامی را باید دستگیر و مجازات کرد، ارتش و سپاه پاسداران و دیگر ارگانهای سرکوب و بوروکراسی جمهوری اسلامی را باید فوراً منحل کرد، "حوزه های علمیه" و کلیه نهادهای مذهبی را باید منحل اعلام کرد و اوقاف و داراییهای مذهبی را به نفع رفاه مردم مصادره کرد، اعدام را باید لغو کرد، آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه و اعتصاب و تشکل را در سراسر ایران باید اجرا و حراست کرد. اینها و خواستهایی از این دست را باید به شعار و مطالبه مردم سرنگونی طلب تبدیل کرد. مردم در ایران و در کردستان ایران خواهان آزادی و برابری، صف مردم سرنگونی طلب را با این پرچم و با این خواستههای روشن باید متحد کرد و جمهوری اسلامی را درهم کوبید.

جمهوری اسلامی نه توانایی تجدید سرکوبهای سال 60 در ایران را دارد، نه خواهد توانست مجدداً کردستان ایران را مانند سالهای 58 و بعد از آن میلیتاریزه کند. در کوتاه مدت اما تلاش خواهد کرد به بهانه های کذایی جو و فضای شهرهای کردستان ایران را نظامی کند. کاری که الان با گذاشتن نیروهای سرکوبگرش سر هر چها راه و هر مرکز شهری عملاً دست زده است. این توطئه جمهوری اسلامی را باید با هوشیاری سیاسی و ادامه اعتراضات سیاسی توده ای شهری خنثی و بی اثر کرد.

26 ژوئیه 2005

جمهوری اسلامی مجدد شهرها و حتی روستاهای کردستان ایران را نظامی کند، هر وقت خواست به این بهانه حالت فوق العاده اعلام کند، محل کار و زندگی مردم کردستان ایران را نا امن کند، آرامش را از مردم کردستان ایران سلب کند، و تحت عنوان اعلام جنگ چریکی پ.ک.ک. همچون سناریوی خیالی نیروهای "پالیزبان" برای خفه کردن اعتراضات سیاسی مردم شهرهای کردستان ایران، دست به ماشه ببرد. کاری که الان عملاً در شهرهای کردستان ایران شروع کرده است.

شکرآب شدن رابطه دیرینه جمهوری اسلامی با پ.ک.ک.، بهر دلیل، ربطی به مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی ندارد. همکاری طولانی مدت پ.ک.ک. با جمهوری اسلامی که بخشا علیه این مردم و این مبارزه بکارگرفته شد، چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند. جمهوری اسلامی از پ.ک.ک. علیه اپوزیسیون رژیم اسلامی در کردستان ایران بویژه صف چپ و رادیکال این جامعه وسیعاً استفاده میکرد. این دو، بدلیل باز بودن شکافهای منطقه هنوز هم به همدیگر احتیاج دارند. دوستی و بهم خوردن رابطه این دو تابعی است از این وضعیت. این طرفنها زیادی نخ نماسد، با اینها دیگر نمیتوان سر مردم آزادیخواه و معترض به جمهوری اسلامی را کلاه گذاشت.

باید توطئه جمهوری اسلامی برای میلیتاریزه کردن فضای سیاسی جامعه کردستان ایران را خنثی کرد. ادامه اعتراض و مبارزه سیاسی توده ای شهری در اشکال مختلف ضامن خنثی کردن توطئه جدید جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان ایران است. مردم کردستان ایران باید هوشیاری خود را و چهره سیاسی مبارزه و اعتراض توده ای شهری علیه جمهوری اسلامی را حفظ کنند. جمهوری اسلامی برای یافتن بهانه هایی از این دست، قطعاً تلاش خواهد ناردنچگی را جایی منفجر کند تا بهانه ای پیدا کند که از اعتراض و مبارزه اعتراضی مردم جلوگیری کند. بستن مغازه ها و اعلام تعطیل عمومی شهرهای کردستان ایران در یک روز، تومار نویسی، دادن اطلاعات و قطعنامه های همبستگی مردم شهرهای مختلف به همدیگر، دست از کار کشیدن چند ساعته و



حسین مرادیگی (حمه سور)

توطئه جدید جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان ایران

بهانه ای برای میلیتاریزه کردن فضای سیاسی کردستان ایران

روزنامه بازتاب، یکی از نشریات وابسته به جمهوری اسلامی، در صفحه اول خود، 3 مرداد ماه 1384، ادعا کرده است که جنگ چریکی در کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است. این روزنامه می نویسد: "مسئولین پ.ک.ک. و پژاک دستور حمله به پایگاههای نظامی ایران مستقر در منطقه را صادر کرده اند و جنگ چریکهای تجزیه طلب کرد علیه نیروهای جمهوری اسلامی شروع شده است. همانجا.

این گونه ادعا ها برای مردم کردستان ایران تازگی ندارد، مردم کردستان ایران مدتهاست با این شیوه و شگرد های جمهوری اسلامی در کردستان ایران آشنا هستند. این ادعاها معمولاً بهانه و مقدمه ای بوده است برای توطئه چینی و حمله به مردم کردستان ایران. اکنون نیز بهانه و مقدمه ایست برای میلیتاریزه کردن جو و فضای سیاسی کردستان ایران. عکس العمل جمهوری اسلامی است در مقابل گسترش اعتراضات یکی دو هفته اخیر مردم شهرهای کردستان ایران که با اعتراض بحق مردم شهر مهاباد شروع و هم اکنون نیز در شهرهای مختلف کردستان ایران ادامه دارد. بهانه ایست که با آن



مدیر مسئول:
آذر مدرسی

هر روز از ساعت 19:30 تا 20:30 به وقت
تهران از کانال یک پخش می شود

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

مشکل روبرو کرده است.

در هر حال در شرایط اساسا متفاوت جامعه کنونی ایران، یک دلیل تلاش برای قهرمان سازی از گنجی معضلی است که در برابر دو اردوی متفاوت در رابطه با جمهوری اسلامی و بقای آن قرار گرفته است. از یک طرف مردم ایران و چپ و سوسیالیسم و کمونیسم، و مبارزه یک جامعه برای خلاصی از نکتت اسلام سیاسی و ریشه کن کردن بنیانهای جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و در اردوی دیگر دولتهای غرب و اپوزیسیون راست و بقایای جبهه و ائتلاف فروپاشیده دواوردادی که سعی و تلاش دارند که با حفظ بنیانهای اصلی جمهوری اسلامی، از جمله سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و ارتش و شهرداری و تمامی منابع تغذیه و بازسازی اسلام سیاسی، یعنی حوزه های "علمیه" و دواور و نهادهای اسلامی، رژیم را دست نخورده باقی بگذارند.



و در اینجا پیام و آترناتیو گنجی بسیار روشن و گویاست. او در نامه اخیرش به منتظری صراحتا همین را گفته است. با توسل به منتظری که حتی در نامه اش هم انعام میکند از تئورسینهای ولایت فقیه و نویسنده قانون اساسی جمهوری اسلامی است استدعای عاجزانه کرده است که او را کمک کند تا "خامنه ای" برود. این کته و اس اساس تمام هیاهوهای است که حول و حوش گنجی و اعتصاب غذای او براه افتاده است. شیفتگان گنجی، کسانی که همه تلاششان را میکنند تا گنجی را به عنوان قهرمان و ناجی علم کنند، دردشان زندانیان سیاسی و کارنامه خونین سران جمهوری اسلامی در

مورد پدیده زندانی سیاسی و بساط قتل و اعدام و دار زندها نیست. حضرات فراموش نکرده اند که راه توده محبوبشان که در ارتجاع اسلامی، ایام را به کام یافت، گذراندن کمونیستها از زیر تیغ گیوتین را به دلیل فراخوان دادن مردم برای بیزر کشیدن رژیم اسلامی در جریان انتخابات" اخیر، به جلالان رژیم بشارت دادند. هم اکنون هم به عنوان مثال روزنامه نگار شهیری چون بهنود و یا نویسنده عاقبت طالب و همیشه مرعوب و مجیز گوی ارتجاع و استبداد، آقای محمود دولت آبادی، و یا اقتصاددان و شخصیت و رجل طیف ملی مذهبی، جناب فریبرز رئیس دانا، باز در هماهنگی با راه توده، در کنار هر جمله ای که در رسای رشادتهای گنجی میگویند و مینویسند، به کمونیستها لیچار میگویند و از جور و ستمی که بر گنجی مظلوم، دربروبیای دواورداد پریزیدنت خاتمی، روا داشته اند، شعر و قافیه میافند.

در یک کلام، گنجی را میخواهند قهرمان کنند، چون با مانفست او، یعنی سالم دربردن پیکره اصلی رژیم اسلامی در پیکار و مبارزه و ایستادگی مردم ایران، تماما موافق اند. اینها میخواهند گنجی قهرمان بماند تا در لانسه کردن او و پلاتفرمش در برابر "معضلی" که جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی برای مردم ایران و جهان متمدن بوجود آورده است، برخی حشو و زوائد و از جمله صرفا و فقط مقام خامنه ای را حذف و برکنار کنند تا با تکیه بر ارکان های دست نخورده جمهوری اسلامی، خود و آترناتیو خود را به مردم ایران تحمیل کنند. واقعیت این است که سینه زنان صف گنجی و راهبان صومعه قهرمان پروری گنجی، در او و در راه و مانفست و آترناتیویش در مقابل ولایت فقیه و خامنه ای، به حفظ و بقای خود و مکتب و سنت های هنری ادبی و "نگراندیشی" خود نیز توجه دارند. سقوط کامل جمهوری اسلامی و ریشه کن شدن اسلام سیاسی با تمامی نهادهای نظامی و سیاسی و فرهنگی و غیر آن، محل زیست و میدان بازتکثیر خود اینان را هم به عرصه ای لم یزرع و برهوت تبدیل میکند. گنجی در نامه به منتظری دل به

اوهامی پوچ بسته است. عینا به نمونه "شاه باید برود" خمینی استناد کرده است و به آن تاسی جسته است. غافل از آنکه نه مردم ایران مردم سالهای ۵ هستند و نه چپ و کمونیسم به ملی گرائی و اسلام زدگی گرفتاراست و نه سنت حزب توده و درسهای استاد علی شریعتی میتواند از بستر شرق زدگی و اسلام زدگی مورد تعرض جامعه ایران تجدید حیات کند. در یک جامعه با هفتاد درصد جمعیت جوان، با انبوهی از تجارب محلی و بین المللی و حضور کمونیسمی نیرومند و با برنامه و تیز بین، نمیتوان عکس آقایی گنجی را، این بار در اوهام دمکراسی طلبی و رویاهای انقلاب مخملی، به کره ماه برد.

حزب حکمتیست خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی است و از جمله از آزادی گنجی علیرغم هر پیشینه ای که در خدمت به جمهوری اسلامی داشته است، دفاع میکند. اما در برابر، در میان گرد و خاک و گرد و غباری که حواریون گنجی برای حقه کردن راه گنجی برای نجات بنیانهای رژیم اسلامی به مردم ایران بر پا کرده اند، ما همگان را فرامیخوانیم که حول منشور سرنگونی حزب ما و بیانیه تضمین حق مردم ایران در تعیین نظام آتی ایران متحد و متشکل شوند. راه نجات از نکتت جمهوری اسلامی و از جمله زندانی نشدن گنجی و تعداد بسیار بی شمار زندانیان سیاسی دیگری که خیل سینه زنان آقایی گنجی حتی اکنون نیز آنان را به خاطر عقاید چپ و آزادیخواهانه و سکولار و سوسیالیستی، و "ارتداد" و خیانت به "میهن" سزاوار شکنجه و اعدام و زندان میدانند، درهم کوفتن کامل رژیم جمهوری اسلامی است.

۵ ژوئیه مرداد ۴

به سازمان جوانان
حکمتیست پیوندید



اطلاعیه شماره ۲ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران _ حکمتیست تظاهرات وسیع مردم اشنویه علیه جمهوری اسلامی!

از ساعت ۱۰ صبح امروز دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۸۴ برابر با ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۵ مردم اشنویه در دفاع از مردم مهاباد و اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی دست به اعتراض و تظاهرات زده اند. در همه خیابانهای اصلی شهر مردم با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به خیابانها آمده اند. نیروهای انتظامی به تظاهرات مردم حمله کرده و با گاز اشک آور و تیراندازی تلاش کرده اند اعتراضات مردم را خاموش کنند. اعتراضات با دخالت نیروهای انتظامی شدت بیشتری گرفته و مردم در مسیر اعتراض خود به بانکها و اماکن دولتی حمله کرده و در و پنجره بسیاری از این اماکن را در هم شکسته اند.

با شرتوع اعتراضات کلیه مغازه ها بسته شده است و شهر به حالت تعطیل در آمده است. اعتراضات مردم و زدو خورد میان آنها و نیروهای دولتی تا ارسال این خبر یعنی ساعت ۵ بعد از ظهر به وقت ایران ادامه داشته است.

طبق اطلاع کمیته کردستان حزب حکمتیست در این ماجرا ۳ نفر از مردم توسط نیروهای رژیم کشته شده اند. تعدادی از مردم نیز دستگیر شده که آمار دقیقی از تعداد آنها در دست نیست.

در حال حاضر راههای اشنویه به شهرهای دیگر توسط نیروی انتظامی بسته شده است و حتی ارتباطات تلفنی را هم قطع کرده اند.

ما در اطلاعیه های بعدی خود جزئیات بیشتر اعتراضات مردم اشنویه و شهرهای دیگر را به اطلاع خواهیم رساند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران _ حکمتیست

۳ مرداد ۱۳۸۴ (۲۵ ژوئیه ۲۰۰۵)



مبارزات مردم شهر اشنویه در دفاع از اعتراضات مردم در مهاباد.

مردم مبارز شهر اشنویه در دفاع از مبارزات مردم مهاباد امروز دوشنبه سوم مرداد ماه ۱۳۸۴ با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای وارد خیابانهای شهر شدند.

تظاهرات ساعت ۱۰ صبح از چهارراه کارگر شروع و مردم با حمله به مراکز دولتی و شکستن شیشه های بانکها و شهرداری و فرمانداری و حمله به نیروهای نظامی اوج نفرت خود را نسبت به رژیم و حمایت از مبارزات مردم مهاباد نشان دادند.

درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر رژیم از همان ساعاتی اول شروع شد و مردم به جان آمده از جنایات رژیم با سنگ و چوب از خود دفاع کردند و در ادامه این درگیری که تا ساعت ۵ بعد از ظهر طول کشید صدا تیراندازی از تمام نقاط شهر شنیده می شد. در پی تیراندازی نیروهای انتظامی و پاسداران سه نفر به نامهای حیدر عبدالله زاده عمر امینی و ابراهیم

معروف به (ابراهیم شته) کشته و سه نفر دیگر زخمی می شوند.

مردم با حمل اجساد قربانیان جنایت رژیم اسلامی در شهر اشنویه به طرف محل سکونت آنها که در محله شیخ عبدول عزیز و سید آباد میباشد حرکت کرده و در بین راه با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی اجساد حیدر عمر و ابراهیم را همراهی کردند مزدوران رژیم بعد از پایان تظاهرات، به دستگیری مردم و بخصوص جوانان پرداخته اند و تعداد از اهالی شهر را بازداشت کردند و در شهر رفت و آمد ممنوع و به حالت حکومت نظامی در آمده است. مردم در اعتراض به این جنایت مغازه ها را تعطیل کرده اند.

بریا مولود نژاد

دوشنبه سوم مرداد ماه ۱۳۸۴

یک کارگر کارخانه شاهو سنندج 4/1384/ 28

گزارشی از وضعیت نا بسامانی و در معرض ورشکستگی و بسته شدن کارخانه شاهو

کارخانه شاهو قبلا در مالکیت بانک صنعت و معدن بود- بعد از بحرانهای که دامنگیر صنعت نساجی ایران شد. این شرکت نیز دچار بحران و رو به ورشکستگی رفت. هیئت مدیره برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه این کارخانه را به شرکت "آتیه دماوند" سپرد و شرکت مذکور نیز تصمیم به فروش کارخانه به بخش خصوصی گرفت. اما با وجود بحرانهای شدید کارخانه از جمله:

- 1- بدهکاری به کارگران و سازمان های دولتی
- 2- فرسودگی ماشین آلات
- 3- پیر شدن نیروی کار (کارگران)
- 4- نداشتن نقد بنگی
- 5- نداشتن قطعات مورد نیاز
- 6- زیاد بودن نیروی قدیمی و رسمی - هیچ سرمایه داری حاضر به خرید آن نبوده تا این که در سال 79 تصمیم به تعدیل کارگران گرفتند و تعداد 50 نفر از کارگران را یعنی 35 را اخراج و 15 نفر را که به سن بازنشستگی رسیده بودند به اداره کار برای گرفتن بیمه بیکاری معرفی نمودند.

در سال 80-81 بحث بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور در مجلس به تصویب رسید و در پاییز 81 خواستند آن را در کارخانه عملی سازند که 100 نفر از نیروهای قدیمی شامل این قانون می شدند که 70 نفر را بازنشسته کردند و 30 نفر دیگر را که شامل بودند به دلیل بدهی زیاد به تامین اجتماعی سازمان مذکور حکم بازنشستگی را صادر کرد.

در سال 81-82 شرکت آتیه دماوند به خریداران پیشنهاد نمود در مقابل وام 500 میلیون تومانی و قیمت 4 میلیارد تومان که اول 100 میلیون تومان نقد و بقیه به صورت قسطی خریداری کنند و...

با آمدن بخش خصوصی وضعیت کارخانه بدتر از قبل شد و فشار بیشتری به کارگران وارد آمد که این حربه نیز 6 ماه طول نکشید که اعلام ورشستگی نمودند.

آتیه دماوند کارخانه را به جمع دیگری سپرد و این سهام داران جدید نیز با وجود اقداماتی از جمله استخدام 60 نفر نیروی جدید همچون گذشته نتوانستند از بحران بوجود آمده بکاهند و برای کارگران چیزی به جزء فقر و فلاکت به ارمغان نیاورد.

در این میان کارگران ساکت نشستند

و با اعتراضات خود از جمله تحصن در مقابل استانداری و اداره کار و سازمان تامین اجتماعی و رفتن به تهران و تحصن جلوی شرکت آتیه دماوند و بانک صنعت و معدن (مالک اول کارخانه) که این اقدامات نیز گریزی از مشکلات را باز نکرد.

الان حدود 3 ماه است که به کارگران هیچ حقوقی ندادند - سلف سرویس را بسته اند - از لباس کار خیری نیست و حدود 3 سال است وسایل ایمنی و بهداشتی را در حد ناپدید گذشته اش برای کارگران فراهم نکرده اند - شیر و کیک (تغذیه) کارگران را قطع نموده اند. حدود 1 ماه قبل تعدادی از کارگران به علت نپرداختن حقوق و پاداش و سنوات بازنشستگی و حقوق افراد قراردادی به دادگاه شکایت کردند که دادگاه حکم به لاک و مهر نمودن انبار فروش نمود ومدتی است که هیچ تولیدی به فروش نمیرسد. در این میان سهام داران تصمیم به اعلام ورشکستگی کارخانه را گرفتند و با

استفاده از قانون 141 قانون ورشکستگی کارخانه را به تعطیلی بکشاند که با اعتراض و مقاومت کارگران روبرو شدند. در ابتدای تیر ماه 84 کارگران متحدانه دست به دست هم داده مدیر عامل و 2 نفر از مشاورین وی را که برای گول زدن به کارخانه آمده بودند با کتک کاری بیرون رانده شدند و این عمل باعث شد که مدیر عامل دست به دامن استانداری و نیروی اطلاعات و اداره کار شوند تا تمامی کارگران قدیمی رسمی را اخراج نمایند ولی تا به حال به اهداف ضد کارگری خود دست نیافته اند. تاکنون چندین جلسه با استاندار و خانه کارگر از طرف کارفرمایان تشکیل شده است و یک کمیته تشریفاتی برای رسیدگی به مشکلات کارخانه شاهو تشکیل شده است اما سهامداران اعلام نموده اند که باید 1 میلیارد تومان پول به آنها بدهند تا بتوانند کارخانه را از این بحران نجات دهند. کمیته حل بحران با همراهی حراست اداره کار و نماینده صنایع به تهران رفته اند تا بتوانند موافقت مسئولین در رابطه با وام پیشنهادی به دست آورند و از بسته شدن شرکت جلوگیری نمایند.

تا به حال هیچ جوابی داده نشده - در این راستا کارگران رسمی و قراردادی تصمیم گرفته اند که در روزهای آینده در مقابل استانداری و یا اداره کار دست به تجمع اعتراض آمیز برای احقاق حقوق خویش بزنند. ما کارگران کارخانه شاهو تقاضا مندیم که صدای اعتراض ما را به گوش کارگران ایران و جهان برسانید و از تمام کارخانجات استان و سایر استانها تقاضای حمایت و پشتیبانی داریم.

سورین اندرشون از سازمان سراسری همجنسگرایان بود. وی نیز ضمن محکومیت کشتارها و اعدام‌ها در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی اعدام این دو کودک در شهر مشهد را به جرم رابطه جنسی محکوم نمود و از دولت سوئد نیز در رابطه با دیپورت و بازگرداندن پناهجویان ایرانی انتقاد نمود. سخنران بعد مریم افرسیاپور عضو مشاور کمیته مرکزی حزب حکمتیست و عضو کمیته سوئد بود مریم افرسیاپور در سخنان خود به مبارزات مردم شهرهای کردستان و مقاومت و مبارزات اعتراضی مردم مهاباد اشاره نمود و در سخنانش گفت در دو هفته گذشته مردم ایران بعنوان مختلف در اعتراض به تزیقات و جنایتهای رژیم اسلامی به خیابانها ریختند و رژیم اسلامی با گسیل نیروهای سرکوبگرش و با اعدام شوانه در مهاباد می خواست اعتراضات مردم را به عقب براند، اما ما شاهد اعتراض گستردهتری در تمامی شهرهای کردستان بودیم مردم میروان، پیرانشهر پیرانشهر سردشت با اعتصاب و تظاهرات اعتراضی در مقابل این جنایات ایستاده اند. او در بخش دیگری از سخنانش بر شنیع بودن اعدام این دو کودک اشاره نمود. سپس سوسن هجرت متن اطلاعیه سازمان سراسری پناهندگان را قرائت نمود آخرین سخنران این حرکت اعتراضی نماینده حزب عدالت خواهان سوئد (رتویسپارتیت) بود وی نیز ضمن تاکید بر اوضاعی که در ایران هست از دولت سوئد خواست که تمامی پناهجویان ایرانی را مورد پذیرش قرار دهد.

در حین تظاهرات رادیو سراسری پژواک - رادیو ایران در شهر استهکلم با اسد نودینیان رادیو استهکلم نیز ضمن پخش گزارشی با مریم افرسیاپور مصاحبه نمود. همچنین رادیو بخش بین المللی رادیو سوئد با حسین شاهنظری از اعضا حزب حکمتیست به زبان انگلیسی، رادیو استهکلم GAY radio نیز با جمال پیرخضرانی از اعضا کمیته سوئد و تعداد دیگری از شرکت کنندگان مصاحبه نمود روزنامه Broderskap در این حرکت اعتراضی رپرتاژ تهیه نمودند.

کمیته استهکلم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
23 ژوئیه 2005
تلفن تماس 0708303035

مردم سردشت را دستگیر کرده اند که از آمار دقیق آن خبری نیست. رژیم در اینگونه موارد تا نو سه روزی دستگیری جوانان و مردم را ادامه میدهد و به همین دلیل تخمین میزان دستگیریها مشکل است.

زنده باد آزادی
زنده باد برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی
پویا و هیوا از سردشت
سوم مرداد ۸۴

پیکیک اعتراض علیه جنایات جمهوری اسلامی در استهکلم با استقبال وسیعی از طرف مردم روبرو گردید.
بیش از 200 نفر در این حرکت اعتراضی شرکت نمودند
چندین رادیو و روزنامه از این حرکت اعتراضی گزارشی تهیه و با اسد نودینیان، مریم افرسیاپور و جمال پیرخضران مصاحبه های را ترتیب و پخش نمودند.

در روز دوشنبه 25 ژوئیه حزب حکمتیست، سازمان سراسری پناهندگان، نهاد اول کودکان و رهائی زن، در محکومیت وحشیانه اعدام شوانه قادری در مهاباد و حلق آویز کردن دو کودک در مشهد، همبستگی با اعتراضات مردم شهرهای کردستان و در اعتراض به کشتار و جنایت و دستگیری مردم از طرف نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی در دو هفته گذشته، پیکیک اعتراضی را فراخوان دادند. سازمان سراسری همجنسگرایان، سازمان پرویها (و حزب رت ویسا پارتیت) حزب عدالت خواهان سوئد به این فراخوان پیوسته و وسیعا در این حرکت اعتراضی شرکت نمودند. محل تظاهرات با باندروها و پلاکاردهای در محکومیت اعدامها و کشتار رژیم اسلامی و عکسهای از جنایت اعدام این کودکان و شوان قادری و نمایشی خیابانی از طرف فعالین سازمان سراسری پناهندگان در نشان دادن حلق آویز کردن دو جوان، توجه رهگزان و شرکت کنندگان در تظاهرات را به خود جلب نموده بود

ابتدا یان هامارلوند خواننده مشهور مردمی سوئد متن اطلاعیه نهاد اول کودکان را در رابطه با اعدام این دو کودک در مشهد را قرائت نمود. سپس یوسه کسا پیرو از طرف سازمان پرویها جنایت رژیم اسلامی را در رابطه با اعدام و کشتار در ایران و اعدام دو کودک در مشهد محکوم نمود. سخنران بعدی

باید فوری و بدون قید و شرط کلیه دستگیرشدگان مهاباد و سردشت و سایر شهرها را آزاد کند.
۲ مرداد ۱۳۸۴ - ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۵

گزارش از اعتراضات دیروز سردشت
پویا خالدی و هیوا لقمانی

دیروز یکشنبه دوم مرداد ۸۴ شهر سردشت شاهد اعتراضات وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی بود. این اعتراضات در دفاع از مردم مهاباد و در اعتراض به جنایات نیروهای جمهوری اسلامی در این شهر صورت گرفت. قتل بی شرمانه جوانی در مهاباد و اعتراضات مردم این شهر به این جنایت و حمله نیروهای انتظامی به مردم مهاباد و دستگیری تعداد بسیار زیادی از مردم این شهر عامل اصلی این اعتراضات است. مردم خواهان آزادی فوری همه دستگیرشدگان مهاباد هستند. همزمان در خود سردشت کسی به اسم حسین مدتی پیش در سه راه بیزله در هنگامی که با یک توپوتا نوشابه حمل میکرد مورد تیراندازی قرار گرفت و دیروز خبر رسید که جان خود را از دست داده است.

بعد از ظهر یکشنبه دوم مرداد مردم یواش یواش مغازه ها خود را بستند. تا جایی که از ساعت ۵ بعد از ظهر تمام شهر به حالت تعطیل در آمده بود. محل اصلی تجمع جوانان خیابان کمربندی بود که صدها نفر از جوانان این شهر در آنجا تجمع کردند. شعار اصلی مردم در این تظاهرات مرگ بر احمدی نژاد و مرگ بر جمهوری اسلامی بود.

با شروع تظاهرات مردم نیروی انتظامی در محوطه جمع شدند و با گاز اشک آور و تیراندازی تلاش کردند تظاهرات مردم را پراکنده کنند. مردم با سنگ انداختن به نیروهای رژیم به مقاومت پرداختند. شلیک گاز اشک آور زیاد بود و حتی در ۲ مورد گاز اشک آور به داخل منازل مردم که در موردی به خونه کسی به اسم خدر افتاده بود. در نقاط دیگر شهر هم از جمله در سرچاوه گروهایی از جوانان و مردم تجمعاتی داشته و علیه جمهوری اسلامی شعار میدادند.

اعتراضات مردم علیرغم نیروی انتظامی زیاد و به میدان آمدن گارد ضد شورش تا ساعت ۱۰ شب به طور پراکنده ادامه داشت. تعدادی از جوانان نیز در کوه گرده سور تجمع کرده بودند و شعار میدادند. در اعتراضات امروز تعدادی از

اطلاعیه شماره ۲ کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مردم سردشت دست به اعتراض علیه جمهوری اسلامی زدند از ظهر امروز بازار سردشت تعطیل شد

مردم سردشت امروز یکشنبه ۲ مرداد ۱۳۸۴ برابر با ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۵ از ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر در اعتراض به جنایات رژیم در مهاباد و مرگ حسین که امروز در بیمارستان اورمیه جان باخت و ما در اطلاعیه شماره ۱ خود خبر آن را به اطلاع رساندیم دست به اعتراض زدند. مردم از ظهر امروز کم کم مغازه ها را بستند و بعد از ظهر بازار سردشت تماما تعطیل شد.

جوانان و مردم با تجمع در میدان کمربندی و با سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی اعتراضات خود را شروع کردند. نیروی انتظامی با گاز اشک آور و با توم به تقابل با جوانان و مردم میبردازد. در منطقه سرچاوه نیز با شروع اعتراضات میدان کمربندی، جوانان جمع شده و آنجا نیز شلوغ میشود. مردم و جوانان ضمن محکوم کردن جنایت رژیم در مهاباد و کشتن حسین از اهالی بالان در حومه سردشت که هفته گذشته مورد تیراندازی نیروی انتظامی قرار گرفت، خواهان آزادی تمام دستگیرشدگان میشوند.

مردم شهر سردشت برای تقابل با نیروهای انتظامی که در این چند روز در حال آماده باش بودند، با سنگ و چوب به مقابله میبردازند. رژیم برای تقابل با اعتراض مردم گارد ویژه را به کمک نیروهای خود میفرستد. جوانان و مردم برای خنثی کردن گاز اشک آور در جاهای مختلف آتش روشن میکنند. جنگ و گریز میان جوانان و نیروهای انتظامی تا ساعت ۱۰ شب ادامه می یابد. در این ماجرا بیش از ۱۰ نفر از جوانان و مردم توسط نیروهای رژیم دستگیر میشوند.

کمیته سردشت حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن جنایات رژیم در مهاباد و سردشت، مردم مبارز سردشت را به تشدید اعتراضات خود فرا میخواند. جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکمتیست

دبیر: حسین مرادیگی (حماه سور)

h_moradbiegi@yahoo.com

اکتبر

چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر

را نکثیر کنید و آنرا بدست دوستان

و آشنایان خود برسانید!

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

sharifi_abdollah@yahoo.com Tel:00467369752 26

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com